

The Effect of Presidential Election Voting on the Budget Allocation in Iranian Provinces

Mahdi Evaznejad^{*}, Zahra Dehghan Shabani^{}**

Jafar Ghaderi^{*}**

Abstract

In new democracies, politicians target the distribution of public spending to gain political support, and they have an incentive to manipulate the economy before elections. This study examines the effect of presidential election voting on budget allocations in Iranian provinces using the System Generalized Method of Moments in a panel data model from 2001 to 2017. The results show that the lag of budget allocation, non-oil GDP per capita, population share, GINI coefficient, length of roads per capita, dummy variable of oil-rich provinces, and dummy variable of deprived provinces have a positive and statistically significant effect. The effect of unemployment rate is negative and significant. The findings also indicate that voting for the ruling government has a positive effect on budget performance per capita in Iranian provinces. Therefore, after being elected, politicians in Iran do not ignore the needs of voters. Allocating funds to provinces without considering their needs and capacities can create an economic gap in the country. Therefore, monitoring this matter is necessary.

Keywords: Public Choice, Vote Buying, Budget Allocation, Dynamic Panel Data, System Generalized Method of Moments.

JEL Classification: H60, C23, P00, R10.

* M.S. in Economics at Shiraz University, evaznejadmehdi@yahoo.com

** Associate Professor of Economics at Shiraz University (Corresponding Author), zdehghan@shirazu.ac.ir

*** Associate Professor of Economics at Shiraz University, jghaderi@rose.shirazu.ac.ir

Date received: 2023/01/30, Date of acceptance: 2023/05/24



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تأثیر آراء انتخابات ریاست جمهوری بر تخصیص بودجه در استان‌های ایران

مهدی عوض‌نژاد*

زهره دهقان شبانی**، جعفر قادری***

چکیده

در دموکراسی‌های جدید سیاستمداران توزیع مخارج عمومی را برای بدست آوردن منافع سیاسی مورد هدف قرار می‌دهند و این انگیزه را دارند که اقتصاد را قبل از انتخابات دست‌کاری کنند. این مطالعه به بررسی تأثیر آراء انتخابات ریاست جمهوری بر تخصیص بودجه در استان‌های ایران طی دوره زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۶ با استفاده از روش داده‌های تابلویی بر مبنای تکنیک گشتاور تعمیم یافته سیستمی می‌پردازد. نتایج حاصل از برآورد مدل نشان می‌دهد که تأثیر تخصیص بودجه دوره قبل، تولید ناخالص داخلی بدون نفت، سهم نسبی جمعیت استان، سرانه طول راه‌های استان، ضریب جینی، متغیر مجازی استان‌های محروم و متغیر مجازی استان‌های نفت خیز بر تخصیص بودجه مثبت و معنادار است و تأثیر نرخ بیکاری بر تخصیص بودجه منفی و از نظر آماری معنادار است. همچنین نتایج نشان می‌دهد که رأی به دولت روی کار آمده رابطه مثبت با عملکرد بودجه در استان‌های ایران دارد. بنابراین سیاستمداران در ایران پس از انتخاب شدن، خواسته‌های رأی دهندگان به خود را نادیده نمی‌گیرند. از آنجا که تخصیص بودجه به استان‌ها

* کارشناسی ارشد بخش اقتصاد، دانشگاه شیراز، evaznejadmehdi@yahoo.com

** دانشیار بخش اقتصاد، دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)، zdehghan@shirazu.ac.ir

*** دانشیار بخش اقتصاد، دانشگاه شیراز، jghaderi@rose.shirazu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۳



برخلاف مسیر نیازها و ظرفیت‌ها باعث ایجاد شکاف اقتصادی در استان‌های کشور خواهد شد، لذا لازم است نظارت بر این امر صورت گیرد.

کلیدواژه‌ها: انتخاب عمومی، خرید رای، تخصیص بودجه، داده‌های تابلویی پویا، گشتاورهای تعمیم یافته سیستمی.

طبقه بندی JEL: R10, H60, C23, P00.

۱. مقدمه

مسئله اساسی بودجه‌ریزی، تخصیص منابع محدود به نیازهای رقیب و اهداف و منافع مختلف است. در پژوهش‌های بودجه‌ریزی، نظریه مجردی وجود ندارد و پژوهشگران این حوزه نظریه‌های گوناگون سیاسی و اقتصادی را به کار بسته‌اند. معمولاً چهار رویکرد عمده در بودجه‌ریزی دولتی وجود دارد که عبارت‌اند از: بودجه‌ریزی اداری، خردگرایی، افزایشی و انتخاب عمومی. رهیافت این پژوهش در بررسی مسئله مورد بحث رویکرد انتخاب عمومی یا اقتصاد سیاسی جدید است زیرا از یک سو رأی مفهومی در انتخاب عمومی است و از طرف دیگر، کاربردی‌ترین حوزه این نظریه بودجه‌ریزی دولتی است.

در چهارچوب انتخاب عمومی در نظام دموکراسی دولت همیشه چنان عمل می‌کند که تعداد رأی دهندگان به خود را به حداکثر برساند. در واقع، دولت نقش کارآفرینی را بازی می‌کند که به جای تولید محصول در ازای دریافت پول، سیاست‌های خود را در قبال کسب آرای بیشتر به فروش می‌گذارد.

رأی دهندگان انتخابات را ابزاری تلقی می‌کنند که به وسیله آن دولتی انتخاب می‌شود که بیش‌ترین منافع را برای آنان به همراه داشته باشد و رأی دهندگان به حزبی رأی خواهند داد که به گمانشان بالاترین میزان مطلوبیت درآمدی را با توجه به نحوه اقدامات دولت برای آنان به‌همراه آورد. مهم‌ترین عاملی که برآورد رأی دهندگان را از عملکرد آتی هر حزب تحت تأثیر قرار می‌دهد، وعده‌های انتخاباتی افراد درباره آینده نیست بلکه عملکرد آنها در دوره‌ای است که رو به اتمام است. بنابراین تصمیم‌گیری فرد در مورد رأی دهی مبتنی بر مقایسه‌ایی است میان درآمدی که وی عملاً طی این دوره در نتیجه اقدامات حزب حاکم به دست می‌آورد و با درآمدی که در صورت رأی آوردن احزاب مخالف می‌توانست نصیب وی شود. دولت حاکم می‌تواند از طریق تخصیص بودجه و اعتبارات عمرانی به رأی دهندگانی که حوزه انتخاباتی

تأثیر آراء انتخابات ریاست جمهوری بر تخصیص ... (مهدی عوض نژاد و دیگران) ۲۰۷

آنان از حزب حاکم در انتخابات حمایت کرده‌اند، اقدام کند و آراء مردم را در انتخابات به دست آورند.

مقاله حاضر به تحلیل تاثیر آراء انتخابات ریاست جمهوری بر تخصیص بودجه در استان‌های ایران پرداخته است. هر چند در مطالعات انجام شده در ایران مانند امیری و صمدیان (۱۳۹۶)، اقبالی (۱۳۹۷) و طاهرپور و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی سیکل‌های سیاسی و تخصیص بودجه در ایران را مورد بررسی قرار داده‌اند اما در هیچ یک از مطالعات به بررسی تاثیر رای به دولت روی کارآمده در انتخابات ریاست جمهوری بر تخصیص بودجه در استان‌های ایران پرداخته اند. در صورتی که مطالعات سایر کشورها نشان می دهد که رای به دولت روی کارآمده بر تخصیص بودجه اثر گذار است. در این راستا مقاله حاضر با استفاده از داده های ۲۸ استان ایران طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۶ به بررسی این موضوع پرداخته است. در این راستا مقاله در ۵ بخش اصلی سازماندهی شده است. بعد از مقدمه، در بخش دوم، مبانی نظری توضیح اده شده است. مروری بر تحقیقات انجام شده در بخش ۳ صورت گرفته است. و در بخش ۴ الگوی تحقیق و برآورد مدل ارائه شده است. نتیجه گیری در بخش ۵ مقاله ارائه شده است.

۲. مبانی نظری

۱.۲ خرید رأی و تخصیص بودجه

عوامل سیاسی می تواند تأثیر قابل توجهی در تنظیم بودجه داشته باشد. تئوری چرخه بودجه سیاسی توضیح می دهد که انتخابات ممکن است بر سیاستمداران برای پیگیری سیاست‌هایی که شانس خودشان را برای انتخاب مجدد در انتخابات افزایش دهد تأثیر گذارد. با توجه به بیان نوردهاوس (Nordhaus) (۱۹۷۵) یکی از اهداف اصلی دولت‌های فعلی مانند در قدرت است. بدین ترتیب سیاستمداران اقتصاد را قبل از انتخابات تحریک می کنند تا شانس انتخاب مجدد خودشان را در انتخابات افزایش دهند. روگلف (Rogoff) و سی برت (Sibert) (۱۹۸۸) در مطالعات خود یافتند که در سال‌های انتخابات الگوی مخارج عمومی تحت تأثیر قرار می گیرد. در مطالعات اخیر توسط ورگن (Vergen) (۲۰۰۹) با تمرکز بر روی پویایی بودجه کلی اشاره می کند که سیاستمداران تلاش می کنند در سال انتخابات تخصیص مخارج عمومی را به سمت هزینه‌های جاری قابل مشاهده و به دور از هزینه‌های سرمایه‌ای ببرند. رأی دهندگان به

کاندیداهایی بیشتر توجه دارند که بعد از انتخاب ابات رفاه بیشتری را برای آنها فراهم کند، آنها بیشتر کاندید (صالح و شایسته) را که برای آنها خدمات عمومی و سطح بالاتری از رفاه را فراهم می‌کند را به دیگران ترجیح می‌دهند (درازان و اسلاوا (Drazen & Eslava)، ۲۰۰۴: ص ۳).

آنتونی داونز (Anthony Downs) (۱۹۵۷) مهم‌ترین هدف سیاستمداران را برنده شدن در انتخابات می‌داند. با وجود این، کمتر سیاستمداری حاضر است اعتراف کند که آگاهانه در جهت هر چه بالاتر بردن احتمال انتخاب شدن دوباره خود تلاش می‌کند. اما ادعای آن‌ها مدنظر ما نیست، آنچه در عمل انجام می‌دهند مورد نظر است. زیرا حقیقت این است که اگر سیاستمداری برای به حداکثر رساندن احتمال انتخاب دوباره خود یا به حداکثر رساندن آراء به نفع خود تلاش نکند، دیر یا زود باید مقام و پست سیاسی خود را ترک کند. بندر (Bender) (۱۹۹۱) بیان می‌کند که «سیاستمدارانی که ترجیحات خود را به بهای بی توجهی به ترجیحات رأی دهندگان دنبال می‌کنند، خود را از نظر شانس انتخاب شدن در موضع ضعف نسبت دیگر رقبای شان قرار می‌دهند». براساس مطالعات تجربی متعدد، نمایندگان پارلمانی و سیاستمدارانی که پس از انتخاب شدن، ترجیحات و خواسته‌های رأی دهندگان به خود را نادیده می‌گیرند، غالباً در دوره بعد رأی نمی‌آورند و برکنار می‌شوند (جمسی و همکاران، ۱۳۸۴: ص ۱۵۴).

لارسینس و همکاران (۲۰۰۶) تأثیر ریاست جمهوری را بر تخصیص بودجه فدرال را به ایالت‌های آمریکا را دو دوره ۱۹۸۲ تا ۲۰۰۰ مورد بررسی قرار دادند. آنها دریافتند که ریاست جمهوری در توزیع تاکتیکی بودجه فدرال مشارکت دارد. ایالت‌های که سهم بیشتر از رأی دهندگان به ریاست جمهوری در انتخابات گذشته داشتند و یا با داشتن یک فرماندار وابسته به حزب رئیس جمهور تمایل دارند که بودجه فدرال بیشتری را دریافت کنند. در حالی که ایالت‌های با داشتن فرماندار مخالف حزب رئیس جمهور از لحاظ دریافت بودجه فدرال تنبیه می‌شوند.

گراسمن و هلپمن (Helpman and Grossman) (۱۹۹۶)، لویت و سنדר (Synder Levitt and) (۱۹۹۵) دریافتند که ایالت‌های همسو (هم‌عقیده با سیاست‌های دولت مرکزی) بودجه بیشتری را نسبت به ایالت‌های مخالف سیاست‌های دولت مرکزی دریافت می‌کنند. به ویژه سول اوول و سورریباس (Sole olle and Sorribas) (۲۰۰۸) نشان دادند که شهرداری‌های همسو و هم جهت با سیاست‌های دولت مرکزی اسپانیا ۴۰ درصد کمک‌های مالی بیشتر از شهرداری‌های مخالف دولت مرکزی دریافت می‌کنند.

تأثیر آراء انتخابات ریاست جمهوری بر تخصیص ... (مهدی عوض نژاد و دیگران) ۲۰۹

دیکسیت و لیندبک (Dixit and Lindbeck) (۱۹۹۶) در مقالات خود یک سیستم دو حزبی که در آن احزاب در مواجهه با انتخابات به گروه‌های مختلف از رأی دهندگان وعده می‌دهند که در صورت پیروز شدن آنان در انتخابات به انتقال منابع به نفع آنها اقدام کنند یعنی خرید رأی^۱ انجام می‌دهند. نتایج تجربی مطالعه نشان می‌دهد که سیاستمداران به حوزه‌هایی بیشتر توجه می‌کنند که دارای رأی دهندگان چرخشی (سرگردان) بیشتری هستند، این رأی دهندگان در صورت مشاهده منفعت اقتصادی، حاضرند به حزب و نامزد مورد نظر رأی دهند. حوزه‌های انتخاباتی که نامزد یا احزاب در آنها با فاصله کمی برنده می‌شوند یا حوزه‌هایی که در گذشته خود نوسان زیادی داشته‌اند، دارای تعداد زیادی رأی دهنده چرخشی و سرگردان است. شکل (۱) مثالی را از دو منطقه S و E نشان می‌دهد، که در آن X ترجیحات رأی دهندگان به دولت فعلی را نشان می‌دهد. سهم آرای دولت فعلی، با نسبت رأی دهندگان به صورت مقادیر مثبت X، یعنی سمت راست نقطه‌ی ۰ نشان داده می‌شود. دولت فعلی، با اعطای امتیازات منطقه‌ای، امیدوار است که نقطه تلاقی را به سمت چپ جابجا کند و سهم آرای خود را افزایش دهد. ما از این شکل متوجه می‌شویم که هر دلاری که در منطقه‌ی S خرج شده است، نسبت به دلار خرج شده در منطقه‌ی E، تعداد رأی بیشتری را با خود دارد، پس تراکم بیشتری در محل تلاقی (یعنی رأی دهندگان جابجاشده‌ی بیشتری) در منطقه‌ی S نسبت به منطقه‌ی E وجود دارد.



شکل ۱. تمایلات و ترجیحات رأی دهندگان نسبت به احزاب در دو منطقه S و E
منبع: دالبرگ و جانسون (Dahlberg and Johansson) (۱۹۹۹)

در نتیجه، میزان جابجایی‌هایی که یک منطقه دریافت می‌کند، به طور مستقیم با تراکم در نقطه ۰ ارتباط دارد سپس، این نظریه، پیش‌بینی می‌کند که کمک‌های مالی برای مناطقی که درآمد پایین دارند، در نظر گرفته می‌شود. زیرا افراد رأی دهنده با درآمد کم، مطلوبیت نهایی

درآمدی بالاتری دارند و می‌توان آن‌ها را به سادگی راضی کرد که به یک حزب رأی دهند و به آن‌ها وعده‌هایی کمتر از افراد با درآمد بالا داد یعنی، نقطه‌ی تلاقی در مناطق مستمند، بیشتر حرکت می‌کند.

کار کاکس و مک‌کابینز (۱۹۸۶) رأی‌دهندگان را به سه گروه تقسیم می‌کنند: گروه‌های پشتیبانی، گروه‌های مخالف و گروه‌های در حال نوسان. احزاب، با وعده‌ی توزیع مجدد به این گروه‌ها، بر آراء این گروه‌ها سرمایه‌گذاری می‌کنند. آن‌ها، با در نظر گرفتن ریسک‌گریزی احزاب و این که سرمایه‌گذاری بر روی گروه‌های در حال نوسان، دارای ریسک بیشتری است، پیش‌بینی می‌کنند که سیاستمداران، سرمایه‌گذاری کمی (در صورت وجود) بر روی گروه‌های مخالف انجام می‌دهند، کمی بیشتر بر روی گروه‌های در حال نوسان، و میزان بیشتری بر گروه‌های حامی و وفادار خود سرمایه‌گذاری می‌کنند. شناخت این افراد نیز بسیار ساده است، معمولاً حوزه‌های انتخابیه که سیاست‌مداران بیشترین رأی را آنجا کسب کرده‌اند، دارای رأی‌دهندگان وفادار بیشتری هستند (دالبرگ و جانسون، ۲۰۰۲: ص ۲۹).

رأی‌دهندگان معمولاً خواهان ترکیبی از کالاهای خصوصی و عمومی هستند. آنها از یک سو طالب برخی کالاهای خصوصی نظیر دارایی‌ها، افزایش درآمد، امنیت شغلی، رفاه بیش‌تر و خدمات ویژه‌ای هستند که در صورت تصویب قانونی خاص، به آن‌ها تعلق می‌گیرد و در عوض به راه‌های گوناگون سیاستمدارانی را که قوانین مد نظر آن‌ها را تصویب کنند از کمک و پشتیبانی خود برخوردار می‌سازند.^۲ در واقع رأی‌دهندگان به دنبال مجموعه‌ای از کالاهای عمومی (سیاست‌هایی نظیر کاهش تورم، افزایش اشتغال، ثبات نرخ ارز، کاهش نرخ مالیات) نیز هستند. سیاستمداران برای جلب رأی مردم یک منطقه و حامیان وفادار خود یا یک قشر خاص از جامعه بودجه‌های عمرانی را با تلاش خودشان به این حامیان وفادار و جلب رأی مردم تخصیص می‌دهند. حجم بودجه تخصیص یافته به حوزه‌های انتخابیه به هیچ‌وجه یک حادثه تاریخی یا بدعت فرهنگی محسوب نمی‌شود، در عوض آن را می‌توان یک واکنش منطقی و کاملاً قابل پیش‌بینی در قبال ساختار نهادی بازار انتخاباتی دانست (جمسی و همکاران ۱۳۸۴).

هم‌چنین سیاستمداران قوانین و سیاست‌هایی به نفع انتخاب‌کنندگان وضع می‌کنند و در ازای آن از آرای آنان بهره‌مند شوند. سیاستمداران حزب حاکم انگیزه دارند که از بودجه بالاتر برای دستگاه اداری حمایت کنند. استدلال آن‌ها برای چنین حمایتی این است که می‌دانند که اگر رؤسای دستگاه‌های اداری منابع بیشتری در اختیار داشته باشند می‌توانند به سیاستمداران و

تأثیر آراء انتخابات ریاست جمهوری بر تخصیص ... (مهدی عوض نژاد و دیگران) ۲۱۱

حزب روی کار بهتر کمک کنند. بدیهی است که قانون گذاران حزب مخالف نیز دوست خواهند داشت که استفاده از دستگاه‌های اداری را برای کمک به انتخاب مجدد کاندیدهای حزب حاکم، به حداقل برسانند. بر این اساس آنها با بودجه‌های بالا برای دستگاه‌های اداری مخالفت خواهند کرد. با این وجود، آنها نیز می‌خواهند که به حوزه‌های انتخابیه‌شان خدمات دهند. آنها گاهی اوقات می‌توانند این کار را با طرفداری از بودجه‌های بالاتر برای دستگاه‌های اداری مشخصی به بهترین نحو انجام دهند.

۳. مروری بر تحقیقات انجام شده

مطالعات در حوزه رای و تخصیص بودجه را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. دسته اول مطالعات در ادبیات انتخاب عمومی، به خرید رای معروف است که بطور مستقیم در انتخابات رای خریداری می‌شود. در این دسته، مطالعات مختلفی وجود دارد که در زیر بطور خلاصه آورده شده است:

کاکس (Cox) و همکاران (۱۹۸۶)، در مقاله‌ای به بررسی این موضوع که چگونه نرخ‌های متفاوت حمایت از سوی گروه‌های مختلف در یک حوزه انتخابیه بر وعده‌های تبلیغاتی نامزدها و احتمال ایجاد ائتلاف‌های انتخاباتی باثبات تأثیر می‌گذارد؟ پرداخته‌اند. در این مقاله، رأی‌دهندگان را به سه گروه تقسیم می‌کند. گروه‌های حامی، گروه‌های مخالف و گروه‌های چرخشی (Swing groups) (سرگردان). طبق تحلیل این مقاله احزاب سیاسی بر روی گروه‌های مخالف سرمایه‌گذاری کمی انجام می‌دهند و سرمایه‌گذاری بیشتر بر روی گروه‌های حامی صورت می‌گیرد.

دالبرگ و جانسون (Dahlberg and Johansson) (۲۰۰۲)، به بررسی اینکه دولت مرکزی از توزیع کمک‌های مالی برای جذب آرای رأی‌دهندگان استفاده می‌کند؟ پرداختند. ایشان از داده‌های کشور سوئد در انتخابات ۱۹۹۸ و از مدل ویبول (Weibull) (۱۹۸۷) و لندرگان (Londregan) (۱۹۹۶) استفاده کردند.^۳ نتایج نشان می‌دهد دولت مرکزی با سرمایه‌گذاری در شهرداری‌هایی که رأی‌های سرگردان (چرخشی) زیادی دارند، رأی‌ها را می‌خرد از لحاظ آماری و اقتصادی مورد تایید است.

لارسینس (Larcinese) و همکاران (۲۰۰۶) در مطالعه‌ای به بررسی این موضوع می‌پردازند که آیا رئیس جمهور تأثیر سیستماتیک در تخصیص بودجه به ایالات دارد؟. نتایج این مطالعه

نشان می‌دهد که ایالت‌های که از رئیس‌جمهور فعلی در انتخابات گذشته بیشتر حمایت کردند تمایل به دریافت بودجه بیشتر دارند و در حالی که ایالت‌های در حاشیه و دارای نوسان، پاداش دریافت نمی‌کنند. همچنین فرماندار ایالتی که وابستگی سیاسی به رئیس‌جمهور دارد بودجه فدرال بیشتری را دریافت می‌کند و ایالت‌های مخالف حزب رئیس‌جمهور در انتخابات کنگره تنبیه می‌شوند.

لوکا و پوز (Luka and Pose) (۲۰۱۵)، به بررسی این موضوع پرداختند که آیا در گذشته تخصیص سرمایه‌گذاری عمومی در ترکیه از اصول اجتماعی - اقتصادی پیروی کرده است یا معیارهای انتخاباتی بر سرمایه‌گذاری عمومی نقش داشته است. نتایج نشان می‌دهد که دولت ترکیه هزینه‌های عمومی را برای پاداش دادن به حوزه‌های انتخابیه خود هدایت می‌کند و با سرمایه‌گذاری بیشتر در آن مناطق به آنها وفاداری خود را نشان داد. همچنین، یدریم (Yildirim) (۲۰۲۰) در مقاله‌ای به بررسی استراتژی‌های مشتری‌گرایی استفاده شده توسط حزب حاکم AK در ترکیه در مقایسه با احزاب مخالف می‌پردازد.

فاینان و مازوکو (Finan and Mazzocco) (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای به بررسی مشوق‌های انتخاباتی و تخصیص بودجه عمومی پرداخته است و مطرح می‌کنند که سیاستمداران منابع عمومی را به نحوی تخصیص می‌دهند که سودهای سیاسی را به حداکثر برساند. ایشان برای بررسی این موضوع با استفاده از داده‌های منطقه رورایما، یک مدل از تصمیمات تخصیصی سیاستمداران تخمین زده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که ۲۶٫۸٪ از منابع عمومی که توسط نمایندگان تخصیص داده می‌شود، نسبت به تخصیص بهینه اجتماعی، از مسیر خارج شده است.

باهامونده و کانالز (Bahamonde and Canales) (۲۰۲۲) در مقاله‌ای به معرفی نظریه چشم‌انداز و مطالعه تجربی مشتری‌گرایی می‌پردازد. در این مطالعه برخلاف نظریه‌های سنتی مشتری‌گرایی^۴، استدلال می‌کند که احزاب سیاسی مشتری‌گرا زمانی که در انتخابات در گذشته ضررهای مهمی را تجربه کرده‌اند، آرای بیشتری می‌خرند. در این مطالعه یک آزمایش اقتصادی بر اساس تئوری‌های سنتی رای دادن و خرید رای طراحی شده است و با استفاده از داده‌های تجربی، نشان می‌دهد که نظریه چشم‌انداز شکاف‌های مهم غیرقابل توضیح در ادبیات را پر می‌کند.

قرقینا و ماریان (Gherghina and Marian) (۲۰۲۳) در مقاله‌ای با استفاده از داده‌های سطح شهرستان از مبارزات انتخاباتی ۲۰۲۰ در رومانی استفاده می‌کند و نشان می‌دهد که مشتری‌گرایی انتخاباتی بیشتر در حوزه‌هایی که برنده مشخصی دارند، استفاده می‌شود و یک

تأثیر آراء انتخابات ریاست جمهوری بر تخصیص ... (مهدی عوض نژاد و دیگران) ۲۱۳

حاشیه بزرگ پیروزی می‌تواند استفاده از مشتری‌گرایی انتخاباتی را صرف نظر از نوع حوزه انتخابیه، هدایت کند.

دسته دوم مطالعات، به چرخه‌های سیاسی تجاری در ادبیات معروف هستند. در این مطالعات به بررسی نحوه تخصیص بودجه در دوره‌های قبل و بعد از انتخابات پرداخته می‌شود. در این نظریه خرید رای به صورت غیر مستقیم اتفاق می‌افتد. در زیر بطور خلاصه به برخی از این مطالعات اشاره شده است:

یانگ گون (Yong kwon) در سال ۲۰۰۵ به بررسی تأثیر سیستماتیک رقابت در انتخابات بر سطوح و الگوهای توزیع هزینه‌های عمومی در کره جنوبی در سال‌های ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۷ با استفاده از تخمین زنده‌ی گشتاور تعمیم یافته در کره جنوبی پرداخت. نتایج نشان می‌دهد که سطح مخارج دولت در دوره پیش از انتخابات افزایش یافته است. الگوی توزیع پارانه ملی در کره جنوبی تا حدی تابعی از نزدیکی به انتخابات بین نامزدهای انتخاب ریاست جمهوری حزب حاکم و نامزد یک حزب مخالف اصلی است. مبارزات انتخاباتی در استان‌های دارای رأی چرخشی (بانوسان) بیشتر است و پارانه ملی بیشتر به این استان‌ها اختصاص داده شود.

حیبی و سوسوانتا (Habibi and Suswanta) (۲۰۱۹) به بررسی احتمال وجود نشانه‌ای از سوء استفاده از وجوه اختیاری در شهر ساماریندا قبل از انتخابات ۲۰۱۵ پرداخته است. نتایج این مطالعه نشان داد که تخصیص هزینه‌های منطقه‌ای برای کمک‌های بلاعوض و کمک‌های اجتماعی در انتخابات رئیس منطقه‌ای، بیشتر از قبل از انتخابات است، به این معنی که از بودجه اختیاری فعلی برای مقاصد سیاسی آنها استفاده شده است.

ورگن (Vergne) (۲۰۰۹)، در مقاله‌ای دیدگاه جامعی را از چرخه‌های انتخاباتی در کشورهای در حال توسعه ارائه می‌دهد. اطلاعات مربوط به ۴۲ کشور در حال توسعه را در طول دوره ۱۹۷۵ تا ۲۰۰۱ با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان می‌دهد که تخصیص هزینه‌های عمومی تابعی از انتخابات است و در سال‌های انتخابات هزینه‌های عمومی به سمت هزینه‌های جاری انتقال پیدا می‌کند، به‌ویژه در دستمزدها و یارانه‌ها و هزینه‌های سرمایه‌ای کاهش پیدا کرده است.

امیری و صمدیان (۱۳۹۶) به بررسی تأثیر ادوار سیاسی بر اعتبارات طرح‌های عمرانی در استان‌های ایران پرداخته است و دو سیکل سیاسی مجلس و ریاست جمهوری را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که سیکل سیاسی مجلس و ریاست جمهوری ارتباط

مثبت و معناداری با اعتبارات عمرانی دارد و سیکل سیاسی ریاست جمهوری تاثیر بیشتری بر اعتبارات عمرانی دارد.

اقبالی و همکاران (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای به برآورد سیکل‌های تجاری-سیاسی با استفاده از مدل ARIMA برای اقتصاد ایران طی دوره ۹۵-۱۳۵۷ پرداختند. نتایج نشان می‌دهد در سال برگزاری انتخابات، تورم کاهش و سال پس از آن، تورم افزایش یافته، همچنین قبل از انتخابات، نسبت کسر بودجه افزایش و مخارج عمرانی کاهش یافته اما برای بعد از انتخابات، بی‌معنا می‌باشد. همچنین متغیرهای پولی (حجم نقدینگی و خالص بدهی دولت به بانک مرکزی) وجود سیکل تجاری سیاسی را تأیید می‌کند. همچنین در این دوره به‌طور متوسط، در سال‌های برگزاری انتخابات و سال قبل، رشد خالص بدهی دولت نسبت به سایر سال‌ها، سه درصد افزایش یافته است. نرخ بیکاری در این مطالعه متأثر از سیکل‌های تجاری سیاسی نمی‌باشد.

اقبالی (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای به بررسی سیکل‌های تجاری سیاسی در شهرداری‌ها در ۲۰ شهر استان خوزستان با استفاده از مدل خودرگرسیون برداری در داده‌های پانل می‌پردازد. نتایج حاصل از برآورد الگو نشان می‌دهد که نمی‌توان با قطعیت وجود سیکل‌های تجاری سیاسی را برای شهرداری‌ها متصور بود.

طاهرپور و همکاران (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای به بررسی سیکل‌های سیاسی بودجه‌های عمرانی در اقتصاد ایران پرداخته‌اند. برای این منظور از آمار ۲۸ استان در دوره ۱۳۷۸-۱۳۹۵ و روش گشتاورهای تعمیم یافته استفاده کرده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در سال‌های انتخابات مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری سرانه حقیقی بودجه‌های عمرانی در ایران افزایش پیدا کرده‌اند. همچنین استان‌های با تولید بالاتر بودجه‌های عمرانی بیشتری دریافت کرده‌اند.

در ارتباط با خرید رای مطالعات متعددی در خارج از ایران انجام شده است، اما علی‌رغم وجود شواهدی از خرید رای در ایران تاکنون مطالعه‌ای در این زمینه صورت نگرفته است. بنابراین آنچه که این تحقیق را از مطالعات داخلی متمایز می‌سازد، این است که به بررسی رفتار خرید رای و تخصیص بودجه در چارچوب رای به دولت روی کار آمده و تخصیص بودجه می‌پردازد. نزدیک‌ترین مطالعه خارجی به مطالعه حاضر مقاله لارسینس و همکاران (۲۰۰۶) درخصوص رای به رییس جمهور گذشته و تخصیص بودجه به ایالت‌های آمریکا است. اما از آنجا که ساختار تخصیص بودجه به استان‌های ایران با تخصیص بودجه به ایالت‌های آمریکا

تأثیر آراء انتخابات ریاست جمهوری بر تخصیص ... (مهدی عوض نژاد و دیگران) ۲۱۵

متفاوت است، بنابراین متغیرهای موثر بر تخصیص بودجه در این دو مطالعه متفاوت است. ضمن اینکه در مطالعه لارسینس و همکاران (۲۰۰۶) طبیعت پویایی تخصیص بودجه در مدل سازی در نظر گرفته نشده است، اما بدلیل اینکه بودجه اختصاص یافته یک استان تابعی از بودجه دوره قبل است باید این طبیعت پویا در قالب مدل های پویا دیده شود که در مطالعه حاضر به این موضوع توجه شده است.

۴. الگوی تحقیق و برآورد مدل

مدل این مقاله برگرفته از مطالعات لارسینس و همکاران (۲۰۰۶) و فینان و مازوکو (Finan and Mazzocco) (۲۰۱۵) است^۵ که به بررسی تأثیر رأی به دولت روی کار آمده بر روی تخصیص بودجه در استان های می پردازد. مدل تحقیق به صورت زیر است:

$$LG_{it} = \beta_0 + \beta_1 LG_{it-1} + \beta_2 LGDP_{it} + \beta_3 V_{it} + \beta_4 Un_{it} + \beta_5 GINI_{it} + \beta_6 LIFR_{it} + \beta_7 LSP_{it} + \beta_8 DOIL_{it} + \beta_9 DMF_{it} + \epsilon_{it} \quad (1)$$

که در این مدل:

LG_{it} = لگاریتم عملکرد بودجه توسط دولت در استان i در سال t

$LG_{i,t-1}$ = لگاریتم عملکرد بودجه توسط دولت در استان i در سال $t-1$

V_{it} = رأی به دولت روی کار آمده که دو شاخص زیر به عنوان جانشینی برای این متغیر

در نظر گرفته شده است.

$$V1 = \frac{\text{سرنه رأی به دولت روی کار آمده استان}}{\text{سرنه رأی به دولت روی کار آمده کل کشور}}$$

$$V2 = \frac{\text{رأی به دولت روی کار آمده به کل آراء استان}}{\text{رأی به دولت روی کار آمده به کل رأی کشور}}$$

$LGDP_{it}$ = لگاریتم تولید ناخالص داخلی بدون نفت سرانه استان i در سال t که بیانگر سطح

توسعه استان است.

Un_{it} = نرخ بیکاری

$GINI_{it}$ = ضریب جینی (شاخص توزیع درآمد)

$LIFR_{it}$ = لگاریتم سرانه راههای استان که نماینده ای از زیرساختارهای استان است.

LSP_{it} = لگاریتم سهم نسبی جمعیت استان از کشور

DOIL = متغیر مجازی برای استان‌های نفت خیر

DMF = متغیر مجازی برای استان‌های محروم

ϵ_{it} = جمله اخلال است.

زیرنویس i نشان‌دهنده استان‌های کشور^۶ ($i=1, \dots, 28$) و زیر نویس t نشان‌دهنده‌ی زمان از سال ($t=1380, \dots, 1396$) است.

۱.۴ داده‌ها

آمار عملکرد بودجه هر استان از سایت مرکز آمار (www.amar.org.ir) و سالنامه آماری هر استان گردآوری شده که از جمع عملکرد اعتبارات هزینه‌ای (جاری) دستگاه‌های اجرایی در استان‌ها از محل درآمدهای عمومی بر حسب استان و عملکرد اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای (عمرانی) استان‌ها به دست آمده است. آمار تولید ناخالص داخلی بدون نفت سرانه هر استان از حساب‌های منطقه‌ای کشور جمع آوری شده است. آمار نرخ بیکاری از بخش نیروی انسانی سایت مرکز آمار کشور گردآوری شده است.

آمار طول‌راه‌های استان‌ها از سالنامه آماری مرکز آمار جمع آوری شده است. همچنین آمار جمعیت کشور و استانها از حساب‌های منطقه‌ای کشور استخراج گردیده است.

رأی به دولت روی کار آمده به آراء کل استان در سال ۱۳۸۰ از سایت پارسینه و در سال ۱۳۸۴ و ۱۳۹۶ از سایت ویکی‌پدیا (www.wikipedia.org) و در سال ۱۳۸۸ از پایگاه اطلاع‌رسانی دولت (Dolat.ir) و در سال ۱۳۹۲ از سایت آفتاب ایر (www.aftabir.com) گرفته شده است.

۲.۴ برآورد رابطه تأثیر رأی دولت به روی کار آمده بر تخصیص بودجه در استان‌های

ایران

روش برآورد در این مطالعه روش داده‌های تابلویی است. در اقتصاد سنجی داده‌های تابلویی فرض بر این است که داده‌های مورد استفاده استقلال مقطعی (Cross-Sectional Independence) دارند. این فرض می‌تواند برقرار نباشد. بنابراین نخستین اقدام در اقتصاد سنجی داده‌های تابلویی بیش از انجام هر آزمونی تشخیص وابستگی یا استقلال مقطعی است که در این مطالعه از آزمون CD پسران (۲۰۰۴) استفاده شده است که نتایج در جدول (۱) آورده شده است.

تأثیر آراء انتخابات ریاست جمهوری بر تخصیص ... (مهدی عوض نژاد و دیگران) ۲۱۷

جدول ۱. نتایج آزمون وابستگی مقطعی پسران

نام متغیر	مقدار آماره	احتمال
LG	۴۱/۰۳	۰/۰۰
LGDP	۷۱/۴۶	۰/۰۰
GiNi	۸۵/۸۳	۰/۰۰
V1	-۰/۷۰	۰/۶۴
V2	-۲/۸۵	۰/۰۰۸
Un	۱۹/۱۰	۰/۰۰
LIFR	۲/۸۲	۰/۰۴۷
LSP	-۱/۵۲	۰/۱۳۰

منبع: یافته‌های پژوهش با استفاده از نرم افزار استتا ۱۷

فرضیه صفر در این آزمون عدم وابستگی مقطعی در متغیرهای مورد آزمون است. متغیرهای با وجود احتمال کمتر از ۰.۰۵ دارای وابستگی مقطعی و با احتمال بیشتر از ۰.۰۵ دارای عدم وابستگی مقطعی می‌باشند. طبق نتایج جدول (۱) در بین متغیرهای مورد بررسی فقط متغیر V1 و LSP وابستگی مقطعی وجود ندارد و در سایر متغیرها وابستگی مقطعی وجود دارد. هرگاه وابستگی مقطعی در داده‌های تابلویی تأیید گردد، استفاده از روش‌های ریشه واحد پانلی مانند آزمون‌های لوین و لین (Levin-Line)، آیم، پسران و شین (Im, Pesaran & Shin) و ... احتمال تأثیر فرضیه ریشه واحد را افزایش خواهد داد. برای رفع این مشکل آزمون‌های ریشه واحد پانلی متعددی با وجود وابستگی مقطعی پیشنهاد شده است که در این پایان نامه از آزمون ایستایی هادری و راثو (Hadri and Rao) (۲۰۰۸) برای بررسی ایستایی متغیرهای مورد نظر استفاده شده است. این آزمون شکست ساختاری و وابستگی مقطعی را همزمان در نظر می‌گیرد. فرضیه صفر در این آزمون ایستایی در مورد متغیرهای مورد آزمون است. در صورتی که مقادیر بحرانی در سطوح ۹۹، ۹۵ و ۹۰ درصد بیشتر از آماره ایستایی باشد در این صورت فرضیه صفر رد نمی‌شود، در نتیجه متغیر مورد نظر ایستا می‌باشد. با توجه به نتایج جدول (۲) مقادیر بحرانی همه متغیرها بیشتر از آماره ایستایی می‌باشد. بنابراین فرضیه صفر رد نمی‌شود و همه متغیرها ایستا می‌باشد.

جدول ۲. نتایج آزمون ریشه واحد هادری رانو (۲۰۰۸)

متغیر	مقادیر بحرانی در سطوح اطمینان مختلف				
	آماره ایستایی	احتمال	٪۹۰	٪۹۵	٪۹۹
LG	۰/۶۱۲	۱/۰۰۰	۱۵/۲۷	۱۹/۵۰	۲۲/۸۶
LGDP	۰/۹۱	۱/۰۰۰	۱۵/۲۳	۲۰/۹۳	۳۳/۸۰
GINI	۰/۲۹	۱/۰۰۰	۵/۱۴	۶/۲۵	۹/۳۲
V1	۰/۱۱	۱/۰۰۰	۰/۶۹	۰/۷۵	۰/۸۹
V2	۰/۱۲	۰/۹۹۴	۱/۴۷	۱/۹۵	۳/۰۰۴
Un	۱/۳۳	۱/۰۰۰	۲۱/۱۱	۲۵/۴۶	۳۶/۷۳
LIFR	۲/۸۷	۰/۹۹۷	۰/۳۳۵	۱۷۶/۵۵	۳۲۵/۳۶
LSP	۰/۵۴	۱/۰۰۰	۹/۹۶	۱۳/۱۴	۲۱/۶۷

منبع: یافته‌های پژوهش با استفاده از نرم افزار گاوس ۱۰

مرحله بعدی برآورد مدل تخمین برای بررسی تأثیر رای به دولت روی کار آمده بر عملکرد تخصیص بودجه در استان‌های ایران در طول دوره زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۶ است. برای این منظور از تکنیک گشتاور تعمیم یافته سیستمی که توسط آرلانو و بارو (۱۹۹۵) و بلاندل و باند (۱۹۹۸) توسعه یافته است استفاده می‌شود. دو شاخص برای دولت روی کار آمده در نظر گرفته شده و به همین دلیل دو مدل برآورد شده است، که نتایج حاصل از برآورد مدل در جدول (۳) آورده شده است.

طبق نتیجه بدست آمده از تخمین هر دو مدل، عملکرد بودجه دوره قبل دارای تأثیر مثبت و معناداری در سطح معنی داری ۱ درصد بر بودجه دوره جاری دارد. بدین معنی که میزان عملکرد بودجه دارای ماهیت پویا است که هر چه عملکرد بودجه سال قبل بیشتر باشد عملکرد بودجه دوره جاری نیز افزایش می‌یابد. که این بدلیل ماهیت بودجه‌ریزی در ایران است که یک بودجه ریزی افزایشی است.

متغیر لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه بدون نفت در هر دو مدل، دارای تأثیر مثبت و معناداری در سطح معنی داری ۱ درصد است، که با افزایش تولید ناخالص داخلی استان‌ها بودجه اختصاصی به استان‌ها افزایش می‌یابد. تولید ناخالص داخلی که میزان سطح توسعه‌یافتگی را اندازه‌گیری می‌کند و از این طریق موجب جذب بودجه به استان می‌شود،

تأثیر آراء انتخابات ریاست جمهوری بر تخصیص ... (مهدی عوض نژاد و دیگران) ۲۱۹

هرچه جامعه ثروتمندتر باشد مقررات مربوط به سیستم رفاه اجتماعی و سطح توسعه یافتگی بیش تر می شود که ترکیب هزینه های عمومی را تغییر می دهد و ممکن است باعث افزایش هزینه های عمومی شود (ورگن، ۲۰۰۹). از طرف دیگر رشد اقتصادی به عنوان یکی از شاخص های مهم توسعه اقتصادی همواره مورد توجه سیاست گذاران اقتصادی بوده است. با توجه به تدوین ادواری برنامه های توسعه در ایران، همواره یکی از اهداف مهم در برنامه ها دستیابی به رشد اقتصادی پیش بینی شده است به همین دلیل دولت ها توجه خاصی به استان هایی که دارای تولید ناخالص و رشد اقتصادی بالاتری هستند، دارند. استان های بیشتر توسعه یافته تهران، خراسان، اصفهان و فارس بالاترین سهم عملکرد بودجه کشور را به خود اختصاص داده اند.

جدول ۳. نتایج برآورد مدل

نام متغیر	مدل ۱		مدل ۲	
	ضریب	احتمال	ضریب	احتمال
LG_t-1	۰/۲۹۳	۰/۰۰۰	۰/۲۹۹	۰/۰۰۰
LGDP	۰/۲۲۱	۰/۰۰۰	۰/۲۱۳	۰/۰۰۰
V1	۰/۱۳۶	۰/۰۰۰		
V2			۰/۱۷۱	۰/۰۰۰
Un	-۰/۰۱۴	۰/۰۲۱	-۰/۰۲۸	۰/۰۰۰
GINI	۳/۰۱۶	۰/۰۰۰	۲/۱۴۶	۰/۰۰۰
LIFR	۰/۵۴۵	۰/۰۰۰	۰/۹۰۷	۰/۰۰۱
LSP	۰/۰۷۷	۰/۰۳۹	۰/۱۱۵	۰/۰۰۶
DOIL	۰/۸۹۱	۰/۰۹۱	۷/۰۸۵	۰/۱۰۱
DMF	۱/۶۵۷	۰/۰۶۴	۴/۵۷۶	۰/۰۷۴
آاره والد	۶۹۰۴/۶۷	۰/۰۰۰	۲۷۶۱/۶۶	۰/۰۰۰
AR (1)	-۲/۷۳۱	۰/۰۰۶	-۲/۱۶۱	۰/۰۳۰
AR (2)	-۱/۷۱۵	۰/۰۸۶	۰/۶۷۵	۰/۴۹۹
آماره سارگان	۲۰/۳۴	۰/۹۹۸	۱۹/۹۰	۰/۹۹۸

منبع: یافته های پژوهش با استفاده از نرم افزار استاتا ۱۷

شاخص رأی به دولت روی کارآمده به کل جمعیت استان به رأی به دولت روی کارآمده به جمعیت کل کشور و شاخص رأی به دولت روی کارآمده به کل آراء استان به رأی به دولت روی کارآمده به کل آراء کشور، دارای رابطه مثبت و معناداری در سطح معنی داری ۱ درصد بر عملکرد بودجه است. بدین صورت استان‌های که به دولت روی کار آمده رأی بیشتری دادند از عملکرد بودجه بیشتری بهره‌مند شده‌اند که رابطه مثبت و مستقیمی بین رأی به دولت روی کارآمده و عملکرد بودجه سرانه به استان‌ها وجود دارد. سیاستمداران در دموکراسی جدید مخارج دولت را با انگیزه انتخاباتی تطابق می‌دهند و سیاستمداران توزیع مخارج عمومی را برای بدست آوردن منافع سیاسی مورد هدف قرار می‌دهند و آنها این انگیزه را دارند که اقتصاد را قبل از انتخابات دست‌کاری کنند، همچنین تصمیمات دولت براساس منفعت کوتاه مدت افراد (مردم) و جمع کردن رأی صورت می‌گیرد. برای جمع کردن رأی دولت‌ها وابسته به جاهایی که بیشتر مورد قبول‌اند، یعنی در دوره‌های قبل بیشترین رأی را در آن حوزه‌های انتخابیه به دست آورده‌اند، هستند. به همین دلیل برای وفادار نگه داشتن این رأی‌دهندگان به خود، انتظار می‌رود امکانات و منابع ملی در قالب بودجه بیشتر به آنها اختصاص دهند. یا به اصطلاح دولت‌ها رأی‌خوری می‌کنند. که نتایج منطبق با کار لارسینس (۲۰۰۶) است که ایالت‌های با درصد رأی بالاتر به ریاست جمهوری در انتخابات امریکا، بودجه بیشتری را دریافت کرده‌اند.

متغیر نرخ بیکاری در هر دو مدل داری تأثیر منفی و از نظر آماری معنی داری است. انتظار بر این است که اگر دولت به دنبال رفع مشکل بیکاری است باید اعتبارات بیشتری را به استان‌هایی که بیکاری بیشتری دارند تخصیص دهد، اما دولت هدف‌های دیگری مثل رشد دارد و در این مدل رشد برای دولت اهمیت و اعتبار بیشتری دارد. بنابراین اولویت دولت روی رشد است و به بیکاری استان‌های توجه خاصی ندارد.

متغیر ضریب جینی در هر دو مدل، که بیان‌کننده فقر نسبی است دارای رابطه مثبت و معنی داری در سطح معنی داری ۱ درصد بر عملکرد بودجه سرانه است. هزینه‌های عمومی دولت، رفاه افراد فقیر را از طریق ابزارهایی مانند دسترسی همگانی به آموزش و بهداشت می‌تواند بهبود ببخشد و مخارج اجتماعی دولت تأثیر مثبتی بر بهبود توزیع درآمد می‌تواند داشته باشد. در سال‌های اخیر استان‌های سیستان و بلوچستان، بوشهر و کرمانشاه درصد سهم اعتبارات بودجه‌ای بیشتری را نسبت به سال‌های گذشته دریافت کرده‌اند. در چهارچوب انتخاب عمومی افراد رای دهنده با درآمد کم، مطلوبیت نهایی درآمدی بالاتری دارند

تأثیر آراء انتخابات ریاست جمهوری بر تخصیص ... (مهدی عوض نژاد و دیگران) ۲۲۱

و می توان آنها را به سادگی راضی کرد که به یک حزب رای دهند. همچنین متغیر دامی استان‌های محروم نیز دارای تاثیر مثبت و معنی دار در سطح معنی داری ۱۰ است.

متغیر لگاریتم راههای سرانه که جایگزینی برای زیرساختارهای استان و سطح توسعه استان است، در هر دو مدل، دارای رابطه مثبت و معنی داری در سطح معنی داری ۱ درصد بر عملکرد بودجه است، بدین معنی که هر چه میزان زیرساختارهای استان بیشتر باشد، استان‌ها بودجه عملکردی بالایی را از دولت دریافت کرده‌اند.

متغیر لگاریتم سهم نسبی جمعیت استان دارای تاثیر مثبت و معنادار است، که نشان می دهد که در تخصیص بودجه به استانها سهم جمعیت استان یک متغیر مهم بر عملکرد بودجه بوده است. همچنین تاثیر متغیر مجازی استانهای نفت خیز بر عملکرد بودجه مثبت و معنادار در سطح معنی داری ۱۰ درصد است.

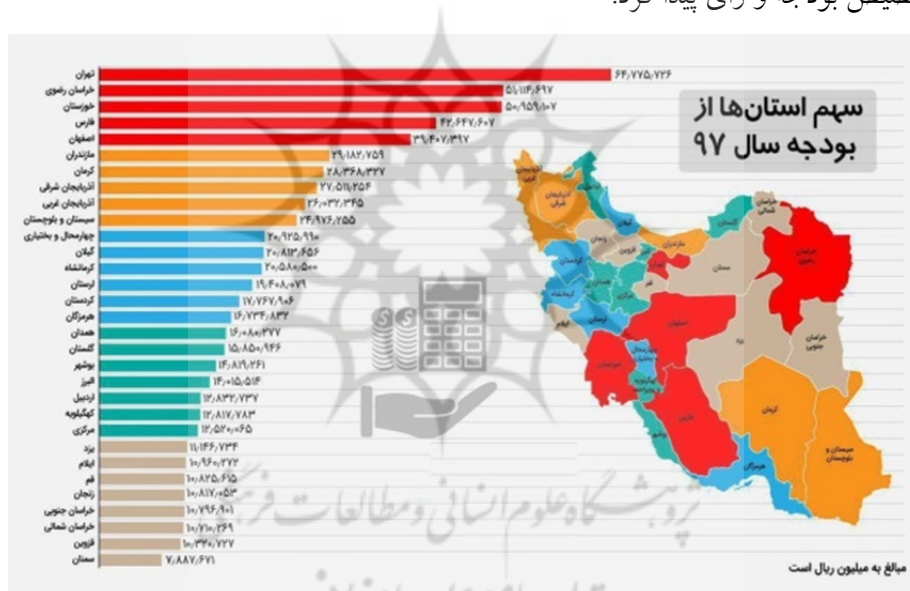
۵. نتیجه گیری

رأی دهی و مشارکت در انتخابات رایج ترین نوع مشارکت سیاسی برای اغلب شهروندان در جوامع مردم سالار است. رأی دادن مهم ترین و عملی ترین وسیله برای شهروندان است تا افکار و عقاید خود را در اداره امور عمومی و اجتماعی اعمال نمایند. اساسی ترین عملکرد مشارکت رأی دهی، دادن فرصت برای جانشینی و انتقال پست‌ها و مسئولیت‌ها در جامعه می باشد.

طبق نظریه انتخاب عمومی بین رأی به دولت روی کارآمده و تخصیص بودجه ارتباط وجود دارد. از آنجا که تخصیص بودجه در استانهای ایران بسیار ناهمگون است (شکل ۲)، بر این اساس این سوال در مقاله مطرح شده است که آیا رأی به دولت روی کارآمده (دولت وقت) بر تخصیص بودجه در استان های ایران اثر گذار است؟ به منظور پاسخ گویی به این سوال، یک مدل اقتصاد سنجی طراحی شده که از روش گشتاور تعمیم یافته سیستمی برآورد گردید. طبق نتایج جدول (۳) شاخص رأی به دولت روی کارآمده به کل جمعیت استان به رأی به دولت روی کارآمده به جمعیت کل کشور و شاخص رأی به دولت روی کارآمده به کل آراء استان به رأی به دولت روی کارآمده به کل آراء کشور بر تخصیص بودجه مثبت و معنادار است. نتایج این مطالعه منطبق با نتایج مطالعه لارسینس (۲۰۰۶) که در آمریکا صورت گرفته نشان از رابطه مثبت و معنا دار رأی بر تخصیص بودجه دارد. ایالت‌های با درصد رأی بالاتر به ریاست جمهوری در انتخابات آمریکا بودجه بیشتری را دریافت کنند. همچنین گراسمن (۱۹۹۴)، و سندر (۱۹۹۵) دریافتند که ایالت‌های همسو (هم عقیده با سیاست‌های دولت مرکزی) بودجه

بیش تری را نسبت به ایالت‌های مخالف سیاست‌های دولت مرکزی دریافت می‌کنند. سول اول و سورریاس (۲۰۰۸) نشان دادند که شهرداری‌های همسو و هم جهت با سیاست‌های دولت مرکزی اسپانیا ۴۰ درصد کمک‌های مالی بیشتر از شهرداری‌های مخالف دولت مرکزی دریافت می‌کنند.

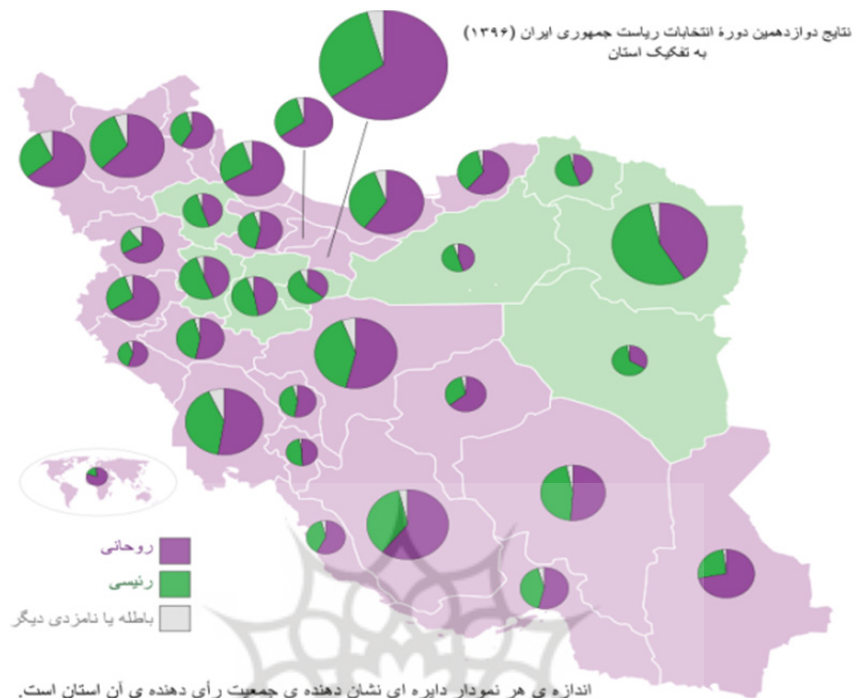
همان‌گونه که نتایج نشان داد، رأی در ایران توانسته بر تخصیص منابع و امکانات در استان‌های ایران تاثیر گذار باشد. شواهدی از این امر در تخصیص بودجه ۱۳۹۷ دیده می‌شود. شکل (۲) سهم استان‌ها از بودجه در سال ۱۳۹۷ را نشان می‌دهد. همانگونه که در شکل (۲) دیده می‌شود تخصیص بودجه در استانهای ایران نامتوازن است. شکل (۳) نتایج انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۶ را نشان می‌دهد. طبق این دو شکل می‌توان شواهدی از ارتباط تخصیص بودجه و رأی پیدا کرد.



شکل ۲. سهم استان‌ها از بودجه در سال ۱۳۹۷

منبع: <https://www.eghtesadonline.com/n/1CN3>

تأثیر آراء انتخابات ریاست جمهوری بر تخصیص ... (مهدی عوض نژاد و دیگران) ۲۲۳



شکل ۳. نتایج دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۶

منبع: <https://fa.wikipedia.org/wiki>

طبق نتایج و شواهد تجربی می توان دریافت که سیاستمداران در ایران پس از انتخاب شدن، ترجیحات و خواسته های رأی دهندگان به خود را نادیده نمی گیرند، سیاستمداران حزب حاکم در هر دوره ریاست جمهوری بودجه بالاتر را به استان هایی که در انتخابات از آنها حمایت کرده اند و بیشترین رأی را به آنها داده اند، اختصاص می دهند. لازم به ذکر است که تخصیص بودجه به استان ها برخلاف مسیر نیازها و ظرفیت ها باعث ایجاد شکاف اقتصادی در استان های کشور خواهد شد. بنابراین باید نظارت بر این امر از سوی مجلس صورت گیرد. لازم به ذکر است که این مطالعه به بررسی تخصیص بودجه در استانها پرداخته است، در مطالعات آینده این موضوع می تواند به تفکیک شهرها صورت گیرد تا بتوان تاثیر خرید رأی نمایندگان در شوراهای شهرها را مورد توجه قرار داد.

پی‌نوشت‌ها

۱. «به زبان ساده خرید رأی عبارت است از تبادل آرا در مقابل پول نقد یا هر شیء باارزشی. این تعریف نشان می‌دهد که آرا شبیه به کالاهای بازار می‌باشد که بازرگانان برای به دست آوردن منفعت آنها را مبادله می‌کنند که این مورد از خرید و فروش رأی از لحاظ اخلاقی نادرست است. تعریف شا از خرید و فروش رأی «هر شکلی از تشویق و تحریک برای بدست آوردن منفعت مالی که پیشنهاد می‌شود توسط یک فرد یا دیگران با نیت تحت نفوذ در آوردن رأی یک شخص». خرید رأی همچنین به این عنوان نیز می‌تواند تعریف شود: یک هدیه یا بخشیدن پاداش به نیت تحت نفوذ خود قراردادن رفتار و واکنش شخص دریافت کننده، به ویژه پول، دادن پاداش باارزش. بلو ایمام خرید رأی را به عنوان «شکلی از رشوه خواری متشکل از پول یا هر پاداشی برای رأی دادن به منظور هدایت رأی افراد رأی دهنده» تعریف می‌کند (دانجیو و اولادجی، ۲۰۰۷).

۲. دیدگاه‌های نظری مختلف، از جمله نظریه انتخاب عقلانی، نظریه تبادل اجتماعی و نظریه نهادی در زمینه رفتار رأی دهندگان و خرید رأی وجود دارد. الف) نظریه انتخاب عقلایی مطرح می‌کند که رأی دهندگان بازیگران منطقی هستند که قبل از تصمیم‌گیری هزینه‌ها و منافع انتخاب‌های مختلف را می‌سنجند. در زمینه خرید رأی، این نظریه نشان می‌دهد که رأی دهندگان ممکن است مایل به فروش رأی خود باشند در صورتی که مزایای انجام این کار بیشتر از هزینه‌ها باشد. به عنوان مثال، اگر رأی دهنده ای با مشکلات مالی مواجه باشد و در ازای رأی خود مبلغ قابل توجهی پول به او پیشنهاد شود، ممکن است احتمال بیشتری برای فروش رأی خود داشته باشد. ب) نظریه مبادله اجتماعی بر این باور است که روابط اجتماعی بر مبادلات متقابل منافع استوار است. در زمینه خرید رأی، این نظریه نشان می‌دهد که رأی دهندگان ممکن است در صورتی که از قبل رابطه ای با نامزد یا نمایندگان آنها داشته باشند، احتمال بیشتری برای فروش رأی خود داشته باشند. برای مثال، یک رأی دهنده ممکن است تمایل بیشتری به فروش رأی خود به نامزدی داشته باشد که یکی از اعضای جامعه اوست یا مزایای قبلی برای او فراهم کرده است، مانند شغل یا سایر اشکال کمک. ج) تئوری نهادی نشان می‌دهد که رفتار سیاسی بر اساس بافت نهادی که در آن رخ می‌دهد شکل می‌گیرد. در زمینه خرید رأی، این نظریه پیشنهاد می‌کند که رواج خرید رأی ممکن است تحت تاثیر چارچوب قانونی و نظارتی حاکم بر انتخابات و همچنین عوامل نهادی گسترده تر مانند سطح رقابت سیاسی و میزان شفافیت و پاسخگویی در انتخابات باشد.

۳. مدل ویبول (۱۹۸۷) و لندرگان (۱۹۹۶) مطرح می‌کنند که دولت مرکزی با سرمایه‌گذاری در شهرداری‌هایی که رأی‌های سرگردان (چرخشی) زیادی دارند، رأی‌ها را می‌خرد.

۴. نظریه های سستی مشتری‌گرایی ادعا می‌کنند که احزابی که نیاز به حمایت انتخاباتی دارند در خرید رأی سرمایه‌گذاری می‌کنند. این چارچوب به دو دلیل محدود است. اولاً، فرض می‌کند که ضرر و زیان و سود بر فرآیند تصمیم‌گیری یک طرف به روش‌های قابل مقایسه تأثیر می‌گذارد. دوم، این چارچوب

تأثیر آراء انتخابات ریاست جمهوری بر تخصیص ... (مهدی عوض نژاد و دیگران) ۲۲۵

فرض می‌کند که فرآیند تصمیم‌گیری احزاب سیاسی مشتری‌گرا تنها بر سطوح مطلق مطلوبیت تمرکز می‌کند در حالی که تغییرات در نتایج را با توجه به یک نقطه مرجع نادیده می‌گیرد.

۵. لازم به ذکر است که یکی از اهداف تمامی برنامه‌های توسعه در ایران کاهش فقر و شکاف درآمدی در جامعه است، بنابراین متغیر ضریب جینی و دامی استان‌های محروم در مدل تخصیص بودجه قرار داده شده است. در مطالعات لارسینس و همکاران (۲۰۰۶) و فینان و مازوکو (۲۰۱۵) این متغیر در نظر گرفته نشده است. همچنین دامی استانهای نفت خیز هم در مدل تحقیق وارد شده است. در ایران ۳ درصد بودجه به استانهای نفت خیز و محروم تخصیص می‌شود.

۶. به دلیل اینکه تا قبل از سال ۱۳۸۳، آماری مجزا برای استان‌های خراسان شمالی، خراسان جنوبی و خراسان رضوی ارائه نشده است، این سه استان به دلیل محدودیت‌های آماری در این تحقیق تحت یک استان واحد (خراسان) آورده شده‌اند. در ضمن آمار استان البرز نیز تا قبل از ۱۳۹۰ در دسترس نمی‌باشد، بنابراین اطلاعات آن با استان تهران در نظر گرفته می‌شود.

کتاب‌نامه

- امیری، حسین، صمدیان، فرزانه. (۱۳۹۶). تأثیر ادوار سیاسی بر طرح‌های عمرانی: مطالعه موردی استان‌های ایران. *فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی*. دوره ۸ شماره ۳۰، صص. ۴۲-۷.
- اقبال، علیرضا. (۱۳۹۷). بررسی سیکل‌های تجاری سیاسی در شهرداری‌ها (مطالعه موردی استان خوزستان). *فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه‌ای)*. دوره ۹، شماره ۱، صص ۸۳-۹۷.
- اقبال، علیرضا، جرجرزاده، علیرضا، غیثاوی، عبدالخالق، و فرشته عبدالمهدی. (۱۳۹۶). برآورد سیکل‌های تجاری-سیاسی (مورد مطالعه کشور ایران طی سال‌های ۹۵-۱۳۵۷). *سیاست‌گذاری پیشرفت اقتصادی*، دوره ۵، شماره ۲، صص. ۱۲۹-۱۴۶.
- جمسی، یوسف، محمد قاسمی، و علی یوسفیان (۱۳۸۴)، مباحثی در باب نظریه انتخاب عمومی (دیدگاه نهادی به سیاست‌گذاری عمومی). تهران: مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهش‌ها.
- ظاهرپور، جواد، سالم، علی اصغر، و رضا همت. (۲۰۲۰). بررسی سیکل‌های سیاسی بودجه‌های عمرانی در اقتصاد ایران. *بررسی مسائل اقتصاد ایران*. دوره ۷، شماره ۱، صص. ۱۶۵-۱۹۰.

Antunes, Rui. (2010). Theoretical models of voting behaviour. *Exedra*, 4, 145-170.

Bahamonde, H., & Canales, A. (2022). Electoral risk and vote buying, introducing prospect theory to the experimental study of clientelism. *Electoral Studies*, 80, 102497.

Cox, Gary W., and Mathew D. McCubbins. (1986). Electoral politics as a redistributive game. *The Journal of Politics*, 48(02), 370-389

- Dahlberg, Matz, and Eva Johansson. (2002). On the vote-purchasing behavior of incumbent governments. *American political Science review*, 96(1), 27-40.
- Dixit, Avinash, and John Londregan. (1998). Ideology, tactics, and efficiency in redistributive politics. *The Quarterly Journal of Economics*, 113(2), 497-529.
- Dixit, A., & Londregan, J. (1998). Ideology, tactics, and efficiency in redistributive politics. *The Quarterly Journal of Economics*, 113(2), 497-
- Dixit, A., & Londregan, J. (1996). The determinants of success of special interests in redistributive politics. *the Journal of Politics*, 58(4), 1132-1155.
- Downs, Anthony. (1957). An economic theory of political action in a democracy. *The journal of political economy*, 135-150.
- Drazen, Allan, and Marcela Eslava. (2004). Political budget cycles without deficits: how to play favorites. *University of Maryland, mimeografiado*.
- Finan, F., & Mazzocco, M. (2021). Electoral incentives and the allocation of public funds. *Journal of the European Economic Association*, 19(5), 2467-2512.
- Fozzard, Adrian. (2001). *The basic budgeting problem: Approaches to resource allocation in the public sector and their implications for pro-poor budgeting*. London: Overseas Development Institute.
- Gherghina, S., & Marian, C. (2023). Win big, buy more: political parties, competition and electoral clientelism. *East European Politics*, 1-18.
- Grossman, Gene M., and Elhanan Helpman. (1996). Electoral competition and special interest politics. *The Review of Economic Studies*, 63(2), 265-286.
- Habibi, M., & Suswanta, S. (2019). Politics discretionary fund budget of regional income and expenditure before and election in 2015 in Samarinda City. *Journal of Governance and Public Policy*, 6(1), 29-42.
- Kraan, Dirk-Jan. (1996). *Budgetary decisions: A public choice approach*. Cambridge University Press.
- Larcinese, Valentino, Leonzio Rizzo, and Cecilia Testa. (2006). Allocating the US federal budget to the states: The impact of the president. *The Journal of Politics*, 68(2), 447-456.
- Lindbeck, Assar, and Jörgen W. Weibull. (1987). Balanced-budget redistribution as the outcome of political competition. *Public choice*, 52(3), 273-297.
- Luca, Davide, and Andrés Rodríguez-Pose. (2015). Distributive Politics and Regional Development: Assessing the Territorial Distribution of Turkey's Public Investment. *The Journal of Development Studies*, 51(11), 1518-1540.
- Levitt, Steven D., and James M. Snyder Jr. (1995). Political parties and the distribution of federal outlays. *American Journal of Political Science*, 958-980.
- Lindbeck, Assar, and Jörgen W. Weibull. (1987). Balanced-budget redistribution as the outcome of political competition. *Public choice*, 52(3), 273-297.
- Nordhaus, William D. (1975). The political business cycle. *The review of economic studies*, 42(2), 169-190.
- Rogoff, Kenneth, and Anne Sibert. (1988). Elections and macroeconomic policy cycles. *The review of economic studies*, 55(1), 1-16..

تأثير آراء انتخابات رياست جمهورى بر تخصيص ... (مهدى عوض نژاد و ديگران) ۲۲۷

Solé-Ollé, Albert, and Pilar Sorribas-Navarro. (2008). The effects of partisan alignment on the allocation of intergovernmental transfers. Differences-in-differences estimates for Spain. *Journal of Public Economics*, 92(12), 2302-2319.

Vergne, Clémence. (2009). Democracy, elections and allocation of public expenditures in developing countries. *European Journal of Political Economy*, 25(1), 63-77.

Kwon, Hyeok Yong. (2005). Targeting public spending in a new democracy: Evidence from South Korea. *British Journal of Political Science*, 35(2), 321-341.

Yıldırım, K. (2020). Clientelism and dominant incumbent parties: party competition in an urban Turkish neighbourhood. *Democratization*, 27(1), 81-99.

